

اقتصاد مقاومتی با تأکید بر توسعه انسانی از دیدگاه اسلام

نورالله صالحی ۱۲۰، زهرا محمدی* ۱۲۱

چکیده

مطابق دیدگاه غرب توسعه انسانی و شاخص های مربوط به آن، نهایت توسعه انسانی را در بسط انتخاب های انسان به صورت انحصاری در ابعاد مادی بیان می کند و ابعاد معنوی را که لازمه دستیابی به بالاترین سطح توسعه یافتگی در همه ابعاد توسعه برای کلیه افراد جامعه می باشد، در نظر نمی گیرد. بدین منظور مطابق تعالیم اسلامی که محوریت ۳ بعد اعتقاد به خداوند، اعتقاد به معاد و پیوند دنیا و آخرت را در راستای توسعه و به ویژه توسعه انسانی، موجب دستیابی انسان به توسعه یافتگی حقیقی می داند و نیز با توجه به محور بودن انسان در تعریف توسعه انسانی، در این مقاله سعی شده است با استفاده از روش اسنادی و مراجعه به نهج البلاغه، نشان داده شود که با تکیه بر ۳ محور اسلامی که ذکر گردید، شاخص های توسعه انسانی شامل: ۱- کسب دانش ۲- طول عمر همراه با سلامتی ۳- برخورداری از سطح مطلوب زندگی، چگونه موجب توسعه انسانی به معنای حقیقی و با در نظر گرفتن حقوق همه افراد جامعه می شوند. همچنین در این مقاله طبق دیدگاه اسلام توسعه اقتصادی به عنوان زیر مجموعه ای از توسعه انسانی مطرح می شود و در این راستا به منظور اجرای موثر اقتصاد مقاومتی، عدالت اجتماعی لازمه توسعه اقتصادی بیان می شود. همچنین آموزه هایی از اسلام نظیر زهد و قناعت و انفاق و ترک اسراف، به عنوان وسیله ای در جهت دستیابی به هدف مورد نظر معرفی می شوند و تأکید اصلی بر این است که انسان مطابق دیدگاه اسلام ۳ معیار توسعه انسانی و حتی توسعه اقتصادی را در جهت اهداف والاتری دنبال می کند، که او را به «حیات طیبه» برساند که هدف اصلی توسعه یافتگی حقیقی می باشد، نه این که صرفاً به گسترش حق انتخاب خود به صورت فردی پردازد.

کلمات کلیدی: اسلام، توسعه انسانی، توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی

۱. استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۰۹۱۹۱۰۴۵۲۱۴

salehinoor@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان- ۰۹۱۳۵۴۱۰۹۴۰

zahramohammadi424@gmail.com

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

مقدمه

تا کنون معانی متفاوتی برای توسعه مطرح شده است اما توسعه در معنای کلی به عنوان پیشرفت و ترقی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بیان می شود. طبق دیدگاه غربی بیشتر بر جنبه های مادی ابعاد توسعه تاکید شده است و همواره عامل عقب ماندگی بسیاری از کشورهای جهان سوم از جمله ایران دین و ارزشهای اعتقادی این کشورها معرفی شده است و نیز راه رسیدن به توسعه را کنار گذاری ارزشها و سنت ها مطرح کرده اند. در این راستا الگوی نوسازی و توسعه غربی به صورت عام و جهان شمول بیان شده است، در حالی که با الگوی کشورهای اسلامی و به ویژه کشور ایران سازگاری ندارد و به همین دلیل به کارگیری الگوهای وارداتی بدون هماهنگی با فرهنگ داخلی، خود موجب عقب ماندگی بیشتر می شود.

مطابق تعالیم اسلام، پیشرفت حقیقی به معنای در نظر گرفتن توأمان دو بعد دنیا و آخرت انسان است و براساس تعریف دین از دیدگاه علامه طباطبایی: (دین روش مخصوصی در زندگی است که صلاح دنیا را به نحوی که موافق کمال اخروی و حیات حقیقی باشد تأمین نماید) (حاجی احمدی، ۱۳۸۴، ص ۶۹)، این برداشت غربی که توسعه واقعی را به معنای غربی شدن از تمامی جهات می داند و کشورهای اسلامی را به این دلیل که به طور کامل غربی نشده اند، توسعه نیافته دانسته و دین را عامل این توسعه نیافتگی مطرح می کند، نقض می شود. زیرا مطابق دیدگاه اسلام تلاش در همه ابعاد توسعه بایستی در جهت سعادت انسان صورت گیرد.

به این منظور در این مقاله ضمن بیان سیر دستیابی به توسعه انسانی در دیدگاه غرب، تعریف توسعه انسانی از دیدگاه اسلام و غرب، بیان شده است و در ادامه اعتقاد به خداوند به عنوان اساس تمامی ابعاد توسعه و به ویژه توسعه انسانی مطرح می شود و سپس سازگاری سه شاخص توسعه انسانی یعنی: ۱- کسب دانش ۲- طول عمر همراه با سلامتی ۳- سطح مطلوب زندگی با مبانی اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله علاوه بر بیان دیدگاه اسلام در رابطه با دستیابی به بالاترین سطوح این شاخص ها، هدف اصلی اسلام از دستیابی به این سه شاخص نیز مطرح می شود و آن چه را که اسلام موجب توسعه یافتگی حقیقی می داند، با تاکید بر ۳ بعد ۱- اعتقاد به خدا ۲- اعتقاد به معاد ۳- پیوند دنیا و آخرت بیان می شود.

در همین راستا با استفاده از روش اسنادی و مراجعه به نهج البلاغه، ضمن بیان لزوم اعتقاد به پیوند دنیا و آخرت برای دستیابی به کلیه ابعاد توسعه، مبحث توسعه اقتصادی به عنوان زیر مجموعه ای از توسعه انسانی مطرح می شود که علاوه بر تعریفی از آن، در سه جنبه عدالت، اشتغال و سود و منفعت طلبی مطابق دیدگاه اسلام در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار گرفته است. در قسمت عدالت نیز این مورد مد نظر قرار گرفته است که اسلام به دنبال عدالت اجتماعی و

پایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

رفع فقر می باشد و با برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی امکان دستیابی به توسعه اقتصادی فراهم می شود و در مبحث اشتغال، تأمین معاش نیروی کار در نگاه غربی و اسلامی بیان می شود. هم چنین دیدگاه منفی نسبت به مواردی از جمله زهد و قناعت و توکل نفی شده است و برعکس به عنوان وسیله ای در جهت توسعه اقتصادی مطرح شده اند که از بسیاری از مفاصد اقتصادی جلوگیری می کند. در همین راستا در زمینه سود و منفعت شخصی نیز ضمن بیان دیدگاه اسلام در زمینه چگونگی دستیابی صحیح به منفعت، دستوراتی از اسلام در راستای تأمین منفعت جامعه برای تحقق توسعه اقتصادی برای کلیه اقشار جامعه مطرح شده است.

پیشینه تحقیق

مقالاتی که در زمینه توسعه انسانی و شاخص های آن از دیدگاه اسلام به پژوهش پرداخته اند:

۱. معیارها و شاخص های توسعه انسانی از دیدگاه اسلام، نصر الله خلیلی: در این مقاله ضمن نقد و بررسی تعریف توسعه انسانی سازمان ملل، مطابق دیدگاه اسلام و ویژگی های انسان اسلامی، تعریف اسلامی توسعه انسانی بیان می شود. در این مقاله تحقق توسعه انسانی، با تأمین نیازهای واقعی انسان در راستای تحقق استعدادهای ذاتی او مطرح شده است و در نهایت نیز شاخص های توسعه انسانی براساس ایمان، تقوا و عمل صالح معرفی می شوند (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۸۱-۱۰۶).

۲. بررسی سازگاری و نقش آموزه های اسلامی با شاخص های نوین توسعه اقتصادی، نعمت الله اکبری و وحید افخمی ستوده: در این مقاله در راستای هدف اصلی مقاله، به وسیله تعالیم اسلام به اثبات لزوم پیوند دین و دنیا بر خلاف دیدگاه سکولاریسم پرداخته شده است و دین اعتدالی به عنوان بهترین رویکرد در قلمرو دین مطرح شده است و سرانجام با استناد به آیات قرآن کریم سازگاری شاخص های توسعه انسانی سازمان ملل با آموزه های اسلام به اثبات رسیده است (اکبری، افخمی ستوده، ۱۳۸۷، ص ۲۷-۱).

۳. توسعه اسلامی با رویکرد نیروی انسانی؛ مفهوم و روش، منصور زراء نژاد: در این مقاله، توسعه از دیدگاه اسلام با تأکید بر اهمیت نیروی انسانی مطرح شده است و ضمن بیان اهمیت اشتغال از دیدگاه اسلام با استفاده از پیش فرض ها، گزاره های ارزشی و توصیفی، دو موضوع اسلام و توسعه و نکات مشترک میان آن ها براساس مدل توسعه انسانی بر خلاف نظر غانم (۱۹۸۴) که سطح اشتغال را تابعی از سرمایه گذاری مطرح می کند، مورد بررسی قرار می دهد. بر این مبنا که مطابق دیدگاه اسلام همه عوامل تولید از جمله سرمایه بایستی تابع سطح اشتغال در هر شرایطی باشند (زراء نژاد، ۱۳۸۷، ص ۲۱-۱).

سیر دستیابی به توسعه انسانی

در زمان کلاسیک ها و نئوکلاسیک ها، سرمایه به عنوان عامل اصلی توسعه مطرح بود و نیروی کار به عنوان عامل ثانویه مد نظر قرار می گرفت و نگاه آنها به انسان به عنوان پیچ و مهره در جهت دستیابی به رشد اقتصادی و بهره وری بود. با

پایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

پیدایش نظریات نوسازی و جوامع مدرن و سنتی، الگوهای توسعه از جمله در بعد اقتصادی بر کشور های جهان سوم تحمیل شد.

اما به کار گیری این الگوهای توسعه در کشور های توسعه نیافته که با مازاد نیروی کار و کمبود سرمایه مواجه بودند، امکان پذیر نبود. به همین منظور انتقال نیروی کار مازاد از بخش کشاورزی به صنعت مطرح شد که باز هم علی رغم رشد اقتصادی کیفیت زندگی مردم پایین بود و قشر فقیر از منافع حاصل از رشد اقتصادی در بلند مدت منتفع نشدند. در اثر تلاشهای بی وقفه هاریسن {۱} (۱۹۷۳) از تسلط بلامنازع انباشت سرمایه و رشد تولید ناخالص ملی {۲} به عنوان عامل اصلی توسعه در متون ویژه اقتصادی توسعه کاسته شد و گرایش منابع انسانی پا به عرصه وجود گذاشت. از نظر این گرایش، استفاده بهینه از نیروی انسانی و توسعه نیروی انسانی باید مهمترین دغدغه و هدف اساسی توسعه باشد. اگر این دو هدف تأمین گردد، دستیابی به رشد اقتصادی و سطح زندگی بالا امکان پذیر خواهد بود. بنابراین از تأکید بر انباشت سرمایه کاسته شد و گرایش به استفاده بهینه از نیروی کار مطرح شد و انسان از عامل توسعه به عنوان فاعل توسعه ارتقا یافت. (زراء نژاد، ۱۳۸۷، ص ۵-۶)

بنابراین در راستای افزایش رفاه انسانی شاخصی به عنوان شاخص توسعه انسانی مطرح شد. در تعریف توسعه انسانی بیان می شود که «توسعه انسانی فرایندی است از گسترش عرصه انتخاب های مردم» و سه شاخص آن عبارتند از ۱- کسب دانش ۲- طول عمر همراه با سلامتی ۳- برخورداری از سطح مطلوب زندگی

تعریف اسلامی توسعه انسانی

توسعه انسانی از دیدگاه غربی به مفهوم تغییرات متوالی در آن دسته از شرایطی بیان می شود که موجبات یک زندگی آزاد و رضایت بخش را برای افراد فراهم آورد (قدیری معصوم، ۱۳۷۹، ص ۹). اما اندیشه اسلامی هدف توسعه انسانی را تأمین نیازهای واقعی به منظور فعلیت بخشیدن به استعداد های فطری می داند (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۸۸). در واقع می توان گفت در اندیشه غربی هدف توسعه انسانی تأمین نیازهای مادی به منظور حداکثر لذت و بهره برداری بیان می شود. اما نگاه اسلام به توسعه انسانی تحقق اهداف عالی الهی و رسیدن به حیات طیبه و نفع جمعی می باشد.

در هر دو دیدگاه محور توسعه انسانی، انسان است اما انسان غربی با بیشترین حق انتخاب به اوج توسعه انسانی دست می یابد و دارای بالاترین شاخص توسعه انسانی می شود، در حالی که مطابق دیدگاه اسلام انسان هم عامل و هم هدف توسعه است. لذا هدف توسعه بودن حتی در کوتاه مدت او را در تنگنا قرار نمی دهد (برزانی، مشرف جوادی، کوهی اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰). در مجموع بر خلاف دیدگاه غرب که نهایت توسعه را، توسعه در سطح می داند، اسلام نهایت توسعه را در عمق می داند (احمدوند، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳) و میزان دستیابی افراد جامعه به سه محور ۱- اعتقاد به خدا ۲- اعتقاد به معاد ۳- اعتقاد به پیوند دنیا و آخرت است که سطح توسعه انسانی آن جامعه را به معنای حقیقی مشخص می کند (حصیر چی، نیاوند، ۱۳۹۰، مقدمه).

بهاش ملی اقتصاد معاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

توسعه انسانی و اعتقاد به خداوند

اعتقاد واقعی به خداوند اصلی ترین بنیان دینی است و این اصل بیشترین تأثیر را بر زندگی و رفتار و عملکرد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی افراد جامعه دارد. اعتقاد به خداوند موجب تسریع حرکت انسان برای دستیابی به اهداف جامعه می شود در حالی که عدم اعتقاد به خداوند موجب بی توجهی به مصالح کشور و توجه صرف به مصلحت شخصی می شود (اسماعیل زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۹). در واقع اعتقاد به خداوند متعالی ترین نیاز معنوی انسان است و همه نیازهای دیگر انسان بایستی در جهت این نیاز برآورده شوند. وقتی که جهت این گونه نباشد، انسان در رفع نیازهای مادی به حداکثرسازی نیاز فردی خود می پردازد و خود را در این امر آزاد می داند (برزانی، مشرف جوادی، کوهی اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳). این انسان حداکثر ساز با چپاول سهم دیگران مرفه و آسوده زندگی می کند و برای خود و جامعه انحطاط اخلاقی، از خود بیگانگی و بسیاری بیماری های روحی را به ارمغان می آورد (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۸۵). در حالی که اگر هدف قرب الهی باشد انسان به حداکثرسازی گزینه های انتخابی خود نمی اندیشد، بلکه هدف والای او ممکن است او را از دستیابی به برخی از نیازهای مادی بازدارد و آن را به دیگران واگذار کند.

براساس این دیدگاه انسان با دستیابی به لذت های معنوی به لذتهای مادی نیز صبغه ای قدسی می دهد و از حصار تنگ ماده رها می شود (نبوی، ۱۳۷۶، ص ۴۲). اسلام آزادی حقیقی را در عدم وابستگی به غیر خداوند متعال می داند (ایروانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۲) و انسان مبنای انتخاب خود را ارزشی والاتر می داند و وقتی هدف انسان از تأمین نیازهایش شکوفا سازی استعداد لقای پرودگار باشد که در آخرت تحقق می یابد، حداکثرسازی انتخاب مادی پاسخگوی این نیاز فطری او نیست. زیرا مطابق دیدگاه غرب انسان غریزه محور و سود جوست و بنابراین دادن بالاترین حق انتخاب به او به معنای نهایت آزادی انسان است. اما اسلام انسان را موجودی چند بعدی و طالب کمال می داند و نهایت رضایت او را در برخورداری از امکانات مادی خلاصه نمی کند.

در ادامه پیش از آن که به بررسی شاخص های توسعه انسانی پرداخته شود بایستی بیان شود که این شاخص ها بیشتر توسعه انسانی را از لحاظ کمی اندازه گیری می کنند و همچنین هر سه شاخص با وزن و ارزش مساوی سنجیده می شوند. یعنی شاخص سواد همان ارزش را دارد که شاخص طول عمر یا سطح مطلوب زندگی در بردارد، در حالی که مطابق دیدگاه اسلام ابعاد کمی توسعه بایستی در راستای ابعاد کیفی آن باشند (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳).

معیار کسب دانش

یکی از شاخص های مطرح شده برای توسعه انسانی معیار کسب دانش است، این معیار برای هر کشوری با شاخص هایی از جمله شاخص آموزش سنجیده می شود. امروزه این شاخص بر علوم کاربردی یک کشور تأکید بیشتری دارد. بنابراین شاخص آموزش بالاتر به معنای توسعه انسانی بالاتر یک کشور است (اکبری، افخمی ستوده، ۱۳۸۷، ص ۲۲).

بهائش ملی اقتصاد معاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

با توجه به تعالیم اسلام همواره بر کسب دانش تأکید شده است و حتی لغت حکمت در قرآن کریم به معنای توسعه مبتنی بر دانش مطرح شده است، یعنی استفاده از همه عوامل دانشی به منظور گرفتن تصمیم صحیح (مذهب رحیم زاده، ۱۳۹۰، ص ۳). از آن جا که انسان محرک توسعه است، بنابراین هر چه از توانایی های فکری بیشتری برخوردار باشد، فرایند توسعه بهتر صورت می گیرد (اسماعیل زاده، ۱۳۸۹، ص ۶۰).

انقلاب اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از بسترهای ایجاد توسعه بر گسترش علم تأکید دارد و یکی از ویژگی های توسعه پایدار این است که جامعه برای علم و دانش ارزش و احترام واقعی قائل باشد. جامعه بدون علم ابزاری برای استثمار است و از مهمترین عوامل مبارزه با فقر و از پایه های عدالت در جامعه، گسترش علم و دانش می باشد. علم به عنوان مهمترین بعد تمدن انسانی مطرح است و تمدن اسلام همواره به عنوان تمدنی علم گرا و عقل گرا معرفی می شود (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۳۲). مطابق احادیثی از جمله اطلب العلم باستعماله (علم را با کاربردی کردن آن، از آن خود ساز)، اسلام نیز همواره بر علمی تأکید دارد که جنبه کاربردی داشته باشد (مذهب رحیم زاده، ۱۳۹۰، ص ۵).

اما مطابق اندیشه غربی تأمین نیازهای روحی و گسترش ظرفیت ذهنی از طریق فرایندهای آموزشی محقق می شود و با شاخص آموزش نیز قابل سنجش می باشد (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳). در حالی که مطابق دیدگاه اسلام کسب دانش خود از جمله نیازهای معنوی انسان می باشد که بایستی در جهت نیاز اصلی یعنی قرب الهی قرار گیرد تا علاوه بر دستیابی به سطح مطلوب انتخاب های مادی، در جهت ارزشی والاتر به کار گرفته شود.

مطابق نظر اسلام علم با معنویت در تعامل می باشد، زندگی معنوی موجب ارتقا علم و فناوری می شود و همچنین ظهور علم و فناوری و پیشرفت زندگی مردم موجب بروز و ظهور معنویت می شود (حصیر چی، نیاوند، ۱۳۹۰، ص ۷۶). در واقع علمی سبب پیشرفت و توسعه محسوب می شود که اخلاق، تعهد و سلامت را تضمین کند (اسماعیل زاده، ۱۳۸۹، ص ۶۱). جامعه ایران نیز با داشتن باورهای اعتقادی و نیز پیشرفت های شگرفی که در زمینه علم و دانش دست یافته است، می تواند از شاخص توسعه یافتگی به مراتب بالاتری نسبت به معیار غربی برخوردار باشد.

معیار طول عمر همراه با سلامتی

یکی دیگر از معیارهای شاخص توسعه انسانی، «برخورداري از عمری طولانی همراه با سلامتی» می باشد. بدین معنا که با توجه به شرایط جسمی، روحی، محیطی، اجتماعی و ... برای هر فردی که متولد می شود انتظار می رود تا چه سنی در سلامت کامل عمر کند. طبیعتاً هر چه این سن بیشتر باشد، شاخص مورد نظر ارتقاء پیدا خواهد کرد زیرا واحد اندازه گیری این شاخص، سال های عمر می باشد (اکبری، افخمی ستوده، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

در رابطه با سلامتی طول عمر همواره شاخص های از جمله (بهداشت، نظافت، سلامت و تغذیه و...) مطرح هستند، که سطح سلامت افراد جامعه به وسیله این معیارها سنجیده می شود. در عین حال اسلام دستوراتی برای ارتقای سطح سلامت افراد جامعه مطرح می کند که از جمله این موارد صدقه دادن، انجام صله رحم و با وضو بودن و دعا کردن می باشند. مراجعه به

همایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

احادیثی از امام علی (ع) گواه این مدعاست از جمله: «صدقه دادن دارویی ثمر بخش است و کردار بندگان در دنیا فردا در پیش روی آنان جلوه گر است» (نهج البلاغه، حکمت ۷) و نیز «ایمان را با صدقه دادن، و اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید و امواج بلا را با دعا از خود دور سازید» (نهج البلاغه، حکمت ۷).

در منظر اسلام کیفیت این عمر است که به آن معنا می دهد. انسان با چنین دیدگاهی حتی اگر سلامتی خود را در مسیر اعتقاد خویش از دست بدهد، خود را متعالی می داند و در نهایت آرامش زندگی می کند. لازمه برخورداری از این چنین عمری اعتقاد به خداوند و معاد و اعتقاد به پیوند دنیا و آخرت می باشد. در غیر این صورت اگر انسان عمری طولانی بدون هدف والا داشته باشد، ممکن است شاخص توسعه انسانی بالایی را به خود اختصاص دهد اما نهایت آفرینش را در مرگ می پندارد و امتدادی برای این طول عمر در جهانی دیگر نمی بیند که مبنای کار شایسته خود قرار دهد و برای عمر خود تا زمانی که در راه خداست، ارزش قائل شود. بنابراین مبنای عمر خود را دنیا و در حداکثر کردن حق انتخاب خود و بهره مندی بیشتر از لذت های مادی، قرار می دهد بدون این که به حقوق سایر انسان ها توجه کند.

معیار برخورداری از سطح مطلوب زندگی

مورد سوم از شاخص های توسعه انسانی تحت عنوان «برخورداری از سطح مطلوب زندگی» می باشد. این شاخص در ابتدای امر سطح فقر کشورهای صنعتی هدف در آمدی برای کشورهای در حال توسعه بود که با تشکیک در این مورد، ارزش آستانه به صورت متوسط جاری ارزش جهانی محصول ناخالص داخلی سرانه بر حسب دلار در نظر گرفته شد (اکبری، افخمی ستوده، ۱۳۸۷، ص ۲۰). این معیار براساس میزان قدرت خرید و دسترسی همه مردم به نیازهای مادی زندگی در حد مطلوب است و نیازهای مادی زندگی نیز شامل خوراک، پوشاک، مسکن و مواردی از این قبیل می باشند.

در اسلام آیات بسیاری در قرآن کریم به رفع نیازهای مادی و لزوم تلاش برای تأمین آن ها تأکید دارد و از این لحاظ این شاخص مطابق تعالیم اسلام می باشد. اما این شاخص سطح مطلوب زندگی را در میزان برآورده سازی نیازهای انسان خلاصه می کند و هرچه میزان برآوردی بیشتر باشد این شاخص بالاتر و افراد از زندگی مطلوب تری برخوردار می باشند. در حالی که اسلام رفع این نیازها را به اهداف بالاتری در زمینه تقوا و زندگی مطلوب نهایی ارجاع می دهد. زیرا مطابق نگاه اسلامی رفاه مادی و زندگی خوب عاملی برای دین داری بهتر است (برزانی، مشرف جوادی، کوهی اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۴). مطابق تعالیم اسلام سهم هر فرد از دنیا به اندازه نیاز اوست و حداکثر سازی گزینه های انتخابی و سهم هر فرد از دنیا موجب فساد زمین می شود (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱).

در فرایند توسعه نیز هدف جوامع برخورداری انسان ها از یک زندگی با کیفیت خوب بیان می شود، اما اگر این کیفیت خوب زندگی بدون توجه به دو عامل مهم اعتقاد به خداوند و معاد باشد، مطابق دیدگاه غرب چیزی جز حداکثر سازی مطلوبیت و سود و گزینه های انتخابی در برنارد (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰). در حالی که اسلام رفع این نیازها را در راستای «حیات طیبه» بیان می کند.

بهايش ملي اقتصاد معاومتی "جالشها، واقعيتها، راهكارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

«حیات طیبه» از دیدگاه اسلام یعنی علاوه بر تأمین زندگی فردی، آرامش حقیقی برای فرد تأمین شود و زندگی را بر پایه علم، پیشرفت، رفاه، امنیت، اخلاق و حلم و گذشت برای او فراهم کند (حصیر چی، نیاوند، ۱۳۹۰، ص ۶۹). لازمه این زندگی پاکیزه عمل صالح می باشد که گاه انسان رفع نیاز دیگران را بر رفع نیاز خود ارجحیت می دهد. «همانا ثروت و فرزندان محصول دنیا و فانی شدنی و عمل صالح محصول آخرت است، اگرچه خداوند گاهی هر دوی آن را به ملت هایی خواهد بخشید. عمل نیک انجام دهید بدون آن که به ریا و خود نمایی مبتلا شوید؛ زیرا هر کس کاری برای غیر خدا انجام دهد، خدا او را به همان غیر، واگذارد.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳).

بنابراین آن چه در بررسی این سه شاخص مد نظر قرار گرفت این بود که انسان بایستی مبنای تلاش خود را در دستیابی به بالاترین سطوح این شاخص ها، اعتقادات خویش قرار دهد و وقتی مبنای عمل افراد جامعه این گونه باشد، انسان ها نه تنها در راستای تأمین نیازهای مادی خود تلاش می کنند بلکه به حقوق دیگران از منابع مادی نیز اهمیت می دهند و در راستای تأمین نیازهای سایر افراد نیز می کوشند و حتی سهم خود را برای بهره مندی افراد فقیر کاهش می دهند. زیرا برخورداری حقیقی را در ورای این جهان دانسته و عمل صالح را لازمه دستیابی به آن می دانند. باتوجه به این که نیاز متعالی لقای پروردگار در آخرت تأمین می شود لزوم اعتقاد به پیوند دنیا و آخرت در ادامه اثبات می گردد.

پیوند دنیا و آخرت

با توجه به اهمیت و لزوم اعتقاد به پیوند زندگی دنیا و آخرت در دیدگاه اسلام، لازم است پیش از وارد شدن به بحث توسعه اقتصادی مروری اجمالی بر آن داشته باشیم:

اندیشه های سکولار همواره بر جدایی دین و دنیا تأکید دارند و امور دینی را تنها در سطح معنوی زندگی فرد موثر می دانند و از آن جا که برخی آیات در قران کریم که بر مذمت دنیا تأکید دارند، همین آیات نیز دلیلی بر این مدعا است که اسلام و به طور کلی دین را مانع توسعه بدانند.

اسلام بالاترین سرمایه انسان برای تکامل مادی و معنوی، عمر و امکاناتی می داند که در دنیا از آن برخوردار است و هدف از خلقت همه چیز را خدمت به انسان بیان می کند و به این وسیله آدمی را تشویق به بهره برداری از طبیعت و تسلط بر آن می نماید (حاجی احمدی، ۱۳۸۴، ص ۷۲). اما اگر انسان دنیا را به منظور کسب مال و ثروت، خوشی و لذت طلب کند و از هیچ کوششی در این راه دریغ نکند، این همان دنیای مذمت شده اسلام است. اما با اعتقاد به دنیایی ورای این جهان، انسان ضمن بهره گیری از این امکانات، در جهت رشد و تعالی مادی و معنوی خود و ارزشهای والای انسانی قدم بر می دارد (عرب مازار، خلیلیان، ۱۳۷۶، ص ۱۵). زیرا انسان در دیدگاه اسلام دارای دو بعد دنیا و آخرت است و این موضوع پایه همه ابعاد توسعه و پیشرفت می باشد. (حصیر چی، نیاوند، ۱۳۹۰، ص ۵۹).

وقتی که دنیا با آخرت به مقایسه گذاشته شده است، پست، بی مقدار و فریبنده معرفی می شود. (علی مازار، خلیلیان، شماره ۲، ص ۱۴). زیرا اسلام دنیا را مکان دستیابی به منافع در جهت دستیابی به کالای مناسب در آخرت می داند (اکبری، افخمی ستوده، ۱۳۸۷، ص ۱۶).

بهاش ملی اقتصاد معاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

با دقت در فرمایش امام علی (ع) که بیان می‌دارند: «با این خانه وسیع چه می‌کنی؛ در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری. آری، اگر بخواهی می‌توانی با همین خانه به آخرت برسی، در این خانه وسیع مهمانان را پذیرایی کنی، به خویشاوندان با نیکوکاری پیوندی و حقوقی که بر گردن توست به صاحبان حق برسانی، پس آن گاه تو با همین خانه وسیع به آخرت نیز می‌توانی برسی» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹)، مفاهیمی چون «ایثار و جهاد» معنا می‌یابند. هنگامی که انسان به همراه جهاد ایثار داشته باشد، جهاد خود را هیچ و باطل نمی‌پندارد بلکه می‌داند از خود گذشتگی او به خاطر دیگران اثری ماندگار دارد و هیچگاه احساس خسارت نمی‌کند (حصیر چی، نیاوند، ۱۳۹۰، ص ۷۳). زیرا وقتی اعتقاد بر این باشد که بهره‌مندی از دنیا باید به اندازه‌ای باشد که فرد محتاج کسی نباشد و او را در مسیر رضا و رضوان الهی قرار دهد (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷)، از دیدگاه او دنیا محل سرمایه‌گذاری است و محصول حقیقی آن در جهانی دیگر قابل برداشت است و دنیا را شروع و پایان زندگی خود نمی‌داند (سلیمی فر، ۱۳۸۹، ص ۴۸). وقتی چنین اعتقاداتی مبنای اصلی نظام حاکم بر یک کشور از جمله ایران باشد، زمینه اعتلا برای تمامی افراد جامعه به وسیله خود مردم به راحتی فراهم می‌باشد.

توسعه اقتصادی

همانطور که در قسمت سیر توسعه انسانی مطرح شد بعد از پیدایش نظریات نوسازی و تحمیل الگوهای توسعه به کشورهای جهان سوم از جمله ایران، مدل‌های توسعه در این کشورها در ابتدا به صورت برون‌زا به کار گرفته شد، یعنی مدلی از توسعه بر مبنای جهت‌گیری خارجی بدون توجه به فرهنگ داخلی. اما با ظهور انقلاب اسلامی در ایران مدل توسعه به صورت درون‌زا یعنی جهت‌گیری داخلی با اتکا به فکر و توانمندسازی داخلی در پیش گرفته شد (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۳۱) و الگوی اصلی انقلاب اسلامی ایران به صورت توسعه پایدار مطرح شد که به معنای در نظر گرفتن تمامی ابعاد توسعه و تأمین هر دو بعد نیازهای مادی و معنوی برای انسان‌های زمان حال و نیز برای نسل‌های آینده است (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۹۳). در راستای توسعه انسانی پایدار بایستی با گسترش عرصه انتخاب‌ها و فرصت‌های فقرا و تمهید مشارکت آن‌ها در تصمیم‌های موثر زندگی خود، آن‌ها را در اولویت قرار داد. زیرا توسعه انسانی پایدار توسعه‌ای است که طرفدار مردم، طرفدار ایجاد شغل و سازگار با طبیعت باشد (بختیاری، ۱۳۷۹، ص ۱۶۱).

مطابق دیدگاه غرب تمامی ابعاد توسعه بایستی در راستای توسعه اقتصادی صورت گیرد. اما اسلام بر توسعه انسانی بر معنای حقیقی تأکید دارد و تأمین تمامی ابعاد توسعه را در راستای این بعد از توسعه در نظر می‌گیرد. در واقع هم‌چنان که قوانین اقتصادی جامعه سرمایه‌داری به عنوان مدینه فاضله برای همه کشورها مطرح شد، بدین سان این قابلیت وجود دارد که بتوان با استفاده از گزینه‌های اثباتی دین، علم اقتصاد اسلامی را استنتاج کرد (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴) زیرا توسعه براساس جهان بینی هر مکتب تعریف و جهت خاصی می‌یابد (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۳۳).

در اسلام از یک سو رفتارهای اقتصادی مشروع به عنوان عبادت تلقی می‌شوند و از طرف دیگر برخی وظایف دینی به طور مستقیم (مانند خمس، زکات، صدقه، وقف) و یا به صورت غیر مستقیم، وابسته به امور اقتصادی هستند (ایروانی،

پایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

۱۳۹۰، ص ۱۲۲). با توجه به این که مهم ترین ویژگی تمدن سازی انقلاب، عدم وابستگی به الگوی توسعه غرب که بر پایه سود محوری، سکولار و لیبرال است و محورهای توسعه اسلامی یعنی خدامحوری، مردم گرایی و عدالت خواهی را در نظر ندارد (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۳۶) و اساس را بر این قرار داده اند که انسان به دنبال خیر است اما خیر به معنی سود، منفعت و لذت مادی (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۸۴)، در حالی که اسلام بهترین شیوه ها را برای کسب سود، نحوه تولید، نحوه تأمین حقوق افراد و بسیاری جنبه های دیگر بیان می کند که منفعت تمامی افراد جامعه را در می گیرد و به کار گیری آن ها موجب بالاترین رشد اقتصادی برای جامعه می شود. بی گمان از دیدگاه اسلام اقتصاد به طور کامل تحت تاثیر باور های ارزشی و اخلاقی است و تمامی برنامه های اقتصادی نیز بایستی با هدف تهذیب و تزکیه نفس صورت گیرد. بدین منظور در این مقاله به بررسی سه موضوع عدالت، اشتغال و سود و منفعت طلبی از دیدگاه اسلام و غرب می پردازیم و دستوراتی از اسلام مبنی بر ارتقا آن ها در جامعه مطرح می شود.

عدالت اقتصادی واجتماعی

پیشرفت اقتصادی در مسیر توسعه اگر منجر به افزایش فاصله طبقاتی میان مردم شود و به دنبال آن عده ای مرفه و دارای بالاترین سطح انتخاب و گروهی فقیر و ضعیف شوند، مورد نظر اسلام نیست. اسلام رفاه اقتصادی همراه با عدالت و روح مساوات و برادری را بیان می کند.

صاحب نظران اقتصادی با هدف حل مشکلات کشور های جهان سوم و توسعه نیافته به ارائه دیدگاه های مختلفی پرداختند که از رایج ترین نظریات آن ها، نظریه رشد اقتصادی می باشد. در این نظریه سعی بر این است که با توجه به عوامل رشد کشور های توسعه یافته، به ارائه طریق برای کشور های توسعه نیافته و یا در حال توسعه پرداخته شود (حصیر چی، نیاوند، ۱۳۹۰، ص ۶۰).

این روش ها بر این مبنا است که، رشد اقتصادی و رسیدن به حداکثر رفاه مادی ممکن است برای مدتی نیازهای انسان را نادیده بگیرد و در اثر بی عدالتی قشر فقیر نابود گردد، تا بدین وسیله در بلند مدت توسعه مادی حاصل گردد و آن گاه پول از اغنیا به فقرا روانه می گردد. اما اسلام همان گونه که مطرح شد انسان را عامل و هدف توسعه می داند، بنابراین هدف توسعه بودن حتی در کوتاه مدت او را در تنگنا قرار نمی دهد و از طرف دیگر اسلام رفع نیازهای مادی و معنوی انسان را توأمان و به صورت متوازن و بر اساس عدالت اجتماعی تأیید می کند (برزانی، مشرف جوادی، کوهی اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹). در واقع اسلام هر دو مورد عدالت و توسعه اقتصادی را مطلوب می داند، اما در صورت تراحم یا تقابل اولویت با عدالت است و چنان چه عدالت برقرار شود، توسعه اقتصادی نیز حاصل می شود (قیصری، ۱۳۸۱، ص ۱۰۶). از دیدگاه اسلام برقراری عدالت در جامعه لازمه رسیدن به توسعه اقتصادی می باشد و با توجه به این که عدالت اجتماعی رعایت مساوات در جعل قانون و اجرای آن تعریف می شود. عدالت از این بعد فقط یک صفت اخلاقی نیست، بلکه یک اصل بزرگ اجتماعی اسلام است و در این راستا عدالت اجتماعی باید دست کم در بعد اقتصادی پیاده شود و بدون رسیدن

بهاش ملی اقتصاد معاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

به عدالت اقتصادی براساس یک نظام اقتصادی اسلامی بیشتر تلاش ها در جهت رسیدن به سایر ابعاد عدالت اجتماعی بیهوده است. بنابراین عدالت اقتصادی به عنوان مهمترین بعد عدالت اجتماعی به معنی تساوی امکانات، عدالت در توزیع ثروت، یعنی تقسیم عادلانه مواد اولیه طبیعی و برابری حقی که جامعه می پردازد با کاری که فرد در جامعه انجام می دهد و نیز برابری حق قانونی (مزد) با حق واقعی (سهم) هر کس مطرح می شود (اقا محمدی، ۱۳۹۱، ص ۷).

بنا بر آن چه مطرح شد، لازمه رسیدن به توسعه مطلوب و همه جانبه، عدالت اقتصادی می باشد که بایستی در راستای عدالت اجتماعی تأمین گردد. اما منظور از تعادل، تساوی در مقدار و برابر بودن سطح زندگی افراد نیست، بلکه مقصود نزدیکی طبیعی قشرهای مختلف مردم به یکدیگر و جلوگیری از تمرکز ثروت و دو قطبی شدن جامعه اسلامی است (اسماعیل زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۶).

بنابراین در راستای برخورداری از عدالت اقتصادی بایستی فقر از بین برود و یکی از موارد مهم در دستیابی به این هدف تقویت حس برابری و برادری در اجتماع است به گونه ای که افراد در راستای رفع نیازهای دیگران نیز تلاش نمایند و با توجه به اینکه شاخص دین داری در اسلام عدالت است، وقتی فرد بر پایه اعتقادات خود آن را بپذیرد، هیچ گاه برای خود حق ظلم کردن نمی بیند و فرد به سهم دیگران از درآمد به دست آمده نیز می اندیشد و برای آن ارزش قائل است.

زمانی که نظام اقتصادی بر پایه عدالت شکل گرفت، حتی در زمینه تجارت و امور کسب و کار نیز، عدالت مانع ظلم، احتکار، گران فروشی و به طبع آن بروز اختلاف طبقاتی می شود. در غیر این صورت بر توانایی توانمند افزوده می شود و فقیر نیز فقیرتر می شود. مطابق بیان امام علی (ع) که می فرمایند: «خدا رحمت کند آن کس را که حقی را بنگرد و یاری کند، یا ستمی را مشاهده کرده و آن را نابود سازد و حق را یاری داده تا به صاحبش باز گردد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۵).

وقتی هدف کسب رضای حق تعالی باشد، انسان به عنوان عبد صالح و شایسته تمامی اقدامات او در بهره برداری از امکانات مادی و تلاش و کسب و کار، هیچ گاه باعث رکود تولید و مانع رونق اقتصادی نخواهد بود. بلکه زمینه ساز عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد خواهد بود. (عرب مازار، خلیلیان، ۱۳۷۶، ص ۱۵). بنابراین در راستای دستیابی به عدالت اقتصادی بایستی توزیع عادلانه ثروت و دارایی های جامعه بسیار مورد توجه قرار گیرد زیرا دلیل بسیاری از نابرابری های جامعه، توزیع نا عادلانه می باشد.

توزیع عادلانه

وقتی عموم انسان ها به تعادل در فرصت های فردی و اجتماعی برسند و در حد توان خود امکان برخورداری از رشد و هدایت لازم را داشته باشند، جامعه متعادل مورد نظر اسلام تأمین می شود. بنابراین از دید اسلام شاخص هایی مانند نحوه توزیع و میزان بهره مندی کل انسان ها نیز شاخص توسعه اند (نبوی، ۱۳۷۶، ص ۴۸).

در راستای توزیع عادلانه دستورات اسلامی از جمله پرداخت مالیات های ثابت مانند خمس و زکات و نیز ابزارهای قانونی مثل حرام دانستن ربا و احتکار و اسراف و کنز و نیز تشویق بر انجام اموری مانند صدقه دادن و قرض الحسنه، موجب بالا رفتن سطح درآمدی گروه پایین جامعه و تعادل در میان اقدار فقیر و ثروتمند می شود (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶) حتی در زمینه بهره برداری از مواهب طبیعی، نظام سرمایه داری روابط توزیع را ناشی از شرایط و نیازهای تولید می داند که این به

هباش ملی اقتصاد معاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

معنای در نظر گرفتن مصلحت تولید است نه مصلحت انسان. اما اسلام روابط توزیع را بر مبنای ارزش های انسانی و الهی قرار می دهد که حتی با تغییر شیوه های تولید پایدار هستند و بنابراین شیوه توزیع نیز تغییر نمی کند و کار و نیاز دو ملاک ثابت توزیع می باشند و حتی اگر با تکامل ابزار توزیع برخی افراد در صدد استثمار جامعه برآیند، حق دخالت دولت در تولید مطرح می شود، تا امکان توزیع عادلانه فراهم شود و بدین ترتیب امکان برخورداری بیش از حد عده ای خاص از امکانات عمومی از بین برود، اگرچه این افراد توان این برخورداری را داشته باشند (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶) و با به کار گیری این دستورات، حقوق عمومی افراد جامعه حفظ می شود و تقاضا برای کالاهای داخلی افزایش می یابد و به این ترتیب سرمایه گذاری و رشد اقتصادی کشور نیز میسر می شود. هم چنین با توزیع عادلانه سطح بهداشت و سلامت و آموزش و تغذیه افراد نیز بالا می رود و این خود موجب افزایش کارایی نیروی کار جامعه می شود (قیصری، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹). در نهایت نیز هنگامی که ثروت عمومی به صورت عادلانه میان مردم توزیع شود علاوه بر فراهم کردن رفاه و آسایش برای مردم، نظام مورد رضای خداوند نیز به معنای واقعی شکل می گیرد (پورطهماسبی، تاجور، فاتح، ۱۳۹۰، ص ۲۳۲).

اشتغال و تأمین معاش نیروی کار از دیدگاه غرب و اسلام

در راستای دستیابی به توسعه اقتصادی یکی دیگر از موارد بسیار مهم اشتغال افراد جامعه می باشد و بدون توجه به آن برخورداری از امکانات دیگر معنا نمی یابد. اسلام همواره بر تلاش فرد در تأمین معیشت خود و خانواده تأکید دارد و از آن جا که اشتغال نیاز اصلی بشر است، تمامی امکانات جامعه از جمله سرمایه یک کشور نیز باید به منظور ایجاد فرصت های شغلی به کار گرفته شود. اسلام بر تأمین اشتغال افراد در هر شرایطی تأکید دارد (زرءنژاد، ۱۳۸۷، ص ۸). در نظام سرمایه داری انسان به صورت کالایی مطرح است، که سرمایه دار هنگام گسترش عرضه نیروی کار می تواند دستمزد را آن قدر پایین بیاورد که افراد نتوانند حتی ضروریات زندگی خود را تأمین کنند. بدین سان توده عظیمی از کارگران در اثر فقر و بیماری از بین می روند و با برابر شدن عرضه و تقاضا دوباره سطح دستمزدها افزایش می یابد. تنزل دادن انسان در حد یک کالا، بزرگترین ستمی است که هم بر روان و شخصیت و هم بر جسم و معیشت او وارد می شود.

اما اسلام بر خلاف این دیدگاه در راستای عدالت و تأمین معیشت افراد لزوم تشکیل حکومت اسلامی را برای برنامه ریزی و سیاست گذاری و نیز مبارزه با تبعیض، فساد و بی عدالتی بیان می کند. در راستای تحقق تأمین اجتماعی و توازن اقتصادی اسلام برای افراد مسئولیت متقابل در رفع نیازهای ضروری یکدیگر قائل می شود و دولت علاوه بر فراهم کردن زمینه لازم برای این که افراد نسبت به تأمین نیازهای سایر اقشار جامعه احساس مسئولیت کنند، بایستی سطح مناسب زندگی را برای کسانی که حد رفاه نسبی نرسیده اند، نیز فراهم کند (ایروانی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵).

یکی دیگر از موارد حمایت اسلام از نیروی کار این مورد است که صاحب سرمایه با استخدام بیشتر افراد و دادن دستمزد به آن ها برخلاف نظام سرمایه داری، نمی تواند بخش وسیعی از منابع را تصاحب کند. بلکه تمامی افراد به میزان کاری که

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

همایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها"

انجام داده اند در منابع به دست آمده شریک هستند و همچنین شرط بهره برداری از منابع را انجام کار بر روی آن ها بیان می کند و به این ترتیب فرصت اشتغال برای افراد آماده به کار فراهم می شود و حتی افراد با متعلق دانستن نتیجه کار به خود، نسبت به آن احساس مسئولیت بیشتری می کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۹).

با فراهم شدن این شرایط توسط دولت اسلامی برای مبارزه با تبعیض و بی عدالتی، در زمینه حفظ حقوق نیروی کار در برابر صاحب سرمایه و نیز جلوگیری از هدر رفت منابع تولیدی کشور و به کار گیری آن ها در راستای اشتغال افراد، ضمن این که دغدغه و فشار روانی فرد در تأمین معاش از بین می رود، مطابق دیدگاه اسلام زمینه بروز ارزش های والا که هدف اصلی انسان است نیز به سادگی فراهم می شود. زیرا از موانع اصلی تعالی معنوی فقر مادی افراد است (احمد وند، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶). از طرف دیگر با گسترش احساس مسئولیت در میان افراد جامعه ویژگی هایی از جمله همکاری، نوع دوستی و برادری و برابری جایگزین رزاییلی چون ستیزه جویی بر پایه حرص و نفع شخصی و خود خواهی می شوند و امکان برخورداری از زندگی دارای آرامش حقیقی برای همه افراد جامعه فراهم می شود.

قناعت، زهد و توکل در راستای توسعه اقتصادی

قناعت به معنای راضی شدن به کم و اکتفای انسان به قدر حاجت و کفایت است (مهینی، ۱۳۹۰، ص ۲). فرد قانع با به کارگیری حداکثر تلاش خود برای کسب منفعت مادی با قناعت پیشگی امکان سرمایه گذاری خود را افزایش می دهد (عرب مازار، خلیلیان، ۱۳۷۶، ص ۱۸) و خود را با ارزش تر از آن می داند که بخواهد برای دستیابی به منفعت بالاتر به گناه و کسب حرام روی آورد. از جمله (رشوه، نزول و...) که این موارد خود مانعی برای رشد اقتصادی جامعه هستند، بدین ترتیب زمینه توسعه اقتصادی نیز فراهم می شود.

زهد نیز ترک هر چیزی است که انسان را از یاد خدا باز دارد (عرب مازار، خلیلیان، ۱۳۷۶، ص ۱۷). این عدم دل بستگی نیز منافاتی با تلاش انسان ندارد. زاهد کم تولید نمی کند، بلکه کم برداشت می کند و برداشت کم موجب بازدهی بیشتر است و از طرف دیگر زهد موجب هم دردی با افراد سطوح پایین تر جامعه است و هم چنین امکان بهره مندی بیشتر این افراد را نیز فراهم می کند (حاجی احمدی، ۱۳۸۴، ص ۷۱).

با توجه به کلام امام علی (ع) در راستای ضرورت توکل که می فرمایند: «خداوند برای بنده خود هر چند با سیاست و سخت کوش و در طرح و نقشه نیرومند باشد، بیش از آن چه در علم الهی وعده فرمود، قرار نخواهد داد. هر کس این حقیقت را بشناسد، از همه آسوده تر و سود بیشتری خواهد برد و آن که آن را واگذارد و در آن شک کند، از همه مردم گرفتارتر و زیانکارتر است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۷۳). بنابراین فرد با ایمان به این که نتیجه کار بهترین است، بهترین شیوه و بالاترین تلاش را در انجام کار خود به کار می گیرد و این به افزایش کارایی فرد بسیار کمک می کند و منافاتی با کار و تلاش ندارد.

هباش ملی اقتصاد معاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

سود و منفعت طلبی از دیدگاه غرب و اسلام

مطابق دیدگاه غرب، یگانه محرک انسان نفع شخصی می باشد. اسلام با کسب سود زیاد از طریق تلاش مضاعف مخالف نیست، اما کسب سود فرد باید از طریقی باشد که نیازهای حیاتی جامعه در اولویت مرتفع شوند، نه این که صرف تجمل گرایی شخصی فرد شود. زیرا تا زمانی که نیازهای اساسی تأمین نشود، صرف منابع در امور دیگر مصلحت نیست (برزانی، مشرف جوادی، کوهی اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰).

تأمین این نیازهای اساسی بایستی براساس اصل کفایت صورت گیرد که میزان مصارف فرد از حد متوسط جامعه بیشتر نشود (عرب مازار، خلیلیان، ۱۳۷۶، ص ۱۵). مطابق بیان امام علی (ع) که می فرمایند: «از اسراف بپرهیز و میانه روی را برگزین از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگه دار و زیادی را برای روز نیازمندی ات در آخرت پیش بفرست» (نهج البلاغه، نامه ۲۱). این نکته برداشت می شود که ضمن این که میزان مصرف افراد باید به دور از افراط باشد، بر لزوم بخشش با اعتقاد به آخرت نیز تأکید می شود.

بدین ترتیب مذمت اموری مانند اسراف و تبذیر براساس همین اصل کفایت است. زیرا اسراف و تبذیر موجب رواج مصرف گرایی و تجمل گرایی در میان افراد جامعه می شود، که به طبع آن اختلاف طبقاتی در جامعه ایجاد می شود و خود فقر در جامعه اسلامی که افراد دارای باورهای دینی می باشند، ممکن است قابل تحمل باشد. اما این تضاد ایجاد شده ناشی از رواج مصرف گرایی، می تواند اثرات بدی بر جامعه بگذارد. مانند احساس محرومیت افراد غیر مرفه و نفوذ عوامل فرهنگی بیگانه به عنوان ارزش (سیدی نیا، ۱۳۸۸، ص ۱۶۶). از جمله دلایل بروز این شرایط این است که مطابق تعالیم اسلام انسان مسلمان حتی در شرایط فقر نیز به دنبال حفظ عزت خود می باشد، مطابق بیان امام علی (ع) که می فرمایند: «خدایا! برویم را با بی نیازی نگهدار و با تنگ دستی، شخصیت مرا لکه دار مفرما که از روزی خواران تو روزی خواهم و از بدکاران عفو و بخشش طلبم.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۵). در کشور ایران نیز با نیت توسعه اقتصادی، اقداماتی صورت گرفت که فقر تأثیر تهدید آمیزی بر نظام اجتماعی گذاشت و ثروت به عنوان یک ارزش مثبت و فقر به عنوان ارزش منفی و موجب شرمندگی مطرح شد و از طرف دیگر با گسترش مقایسه های اجتماعی در جامعه، احساس عقب ماندگی و بی عدالتی نسبی در جامعه مطرح شد (سیف، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

بنابراین رعایت اصل کفایت موجب بهره مندی تمام افراد جامعه می شود و از بسیاری از این طبقات نیز جلوگیری می شود. زیرا اگر مصرف از حد اعتدال نگذرد، اضافه درآمد ملی ذخیره می شود و منابع بسیار خوبی جهت تأمین سرمایه گذاری های جدید فراهم می شود. بنابراین هم قدرت اقتصادی جامعه حفظ می شود و هم امکان سرمایه گذاری جدید فراهم می شود و سطح برخورداری اقشار فقیر جامعه نیز بالا می رود. بنابراین محدودیت مصرف به معنای رفع کمبودهای احتمالی و تضمین آینده اقتصاد است (اقا محمدی، ۱۳۹۱، ص ۹). از طرف دیگر با تأمین سود عمومی، سود شخصی فرد نیز زیاد می شود. زیرا اسلام برای سود دو بعد دنیوی و اخروی قائل است (برزانی، مشرف جوادی، کوهی اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰).

بنابراین با جلوگیری از گسترش تفکر ارزش مند بودن ثروت و مقایسه های اجتماعی، و هم چنین گسترش فرهنگ مصرف گرایی و تلاش در جهت تشویق مردم به رعایت اعتدال بر پایه باورهای دینی می توان به رشد اقتصادی کشور و

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

همایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها"

بالا رفتن سطح بهره مندی قشر فقیر جامعه کمک کرد و به این ترتیب امکان رشد متعالی مورد نظر اسلام برای فرد و جامعه نیز فراهم می شود.

دستورات اسلام در راستای تأمین منفعت جامعه و توسعه اقتصادی

مطابق تعالیم اسلام برای تأمین منفعت افراد قابل ذکر است، این است که برخلاف دیدگاه سرمایه داری که جدایی تولید کننده اولیه از سود بالای حاصل از محصول ثانویه را بیان می کند. اسلام این مورد را مطرح می کند که تولید کننده اولیه یا خود اقدام به تولید ثانویه کند و یا با پرداخت دستمزد، آن را به فردی دیگر واگذار کند و منافع خود را نیز از مراحل اولیه تولید تا مراحل نهایی حفظ کند. با پیاده سازی این معیار علاوه بر جلوگیری از ثروتمند شدن عده ای خاص تمایل به سرمایه گذاری در منابع اولیه در راستای توسعه اقتصادی نیز فراهم می شود (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰). البته سرمایه گذاری نباید تنها به بهبود وضع فرد منجر شود، بلکه باید سبب گسترش و تقویت صلاحیت و قابلیت های جامعه در برخورد با مسائل و یافتن راه حل های موثر و مناسب شود (سیف، ۱۳۸۹، ص ۳۰).

چیزی که مبنای همه موارد ذکر شده در کسب سود می باشد، تأکید اسلام بر کسب روزی حلال است. فرد با اعتقاد به این مورد هیچ گاه مرتکب مفاسد اقتصادی، پول شویی و احتکار و هر اقدام دیگری که به زیان اقتصاد کشور می باشند، به منظور کسب منفعت شخصی نمی شود (عرب مازار، خلیلیان، ۱۳۷۶، ص ۹۶).

بدین ترتیب می توان گفت که دولت می تواند، بر مبنای تعالیم اسلامی با حفظ حقوق تولید کننده اولیه از مراحل نهایی تولید، سطح رفاه این افراد را بالا ببرد که با تحقق این مورد ضمن این که انگیزه افراد برای سرمایه گذاری در مراحل اولیه تولید داخلی بالا می رود، به گسترش سطح اشتغال جامعه و نیز افزایش کیفیت محصولات داخلی کمک می کند، که خود در راستای رشد اقتصادی کشور می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

به کار گیری شاخص های توسعه انسانی براساس آن چه که اسلام به عنوان هدف نهایی انسان از آفرینش بیان می کند، نه تنها جامعه را از بالاترین سطح توسعه یافتگی برخوردار می سازد، بلکه توسعه یافتگی حقیقی را فراهم می کند که تضمین کننده «حیات طیبه» و «آرامش حقیقی» برای افراد می باشد که به مراتب بر بسط انتخاب های انسان به صورت انحصاری ارجحیت دارند. جامعه ایران نیز با توجه به این که دارای نظامی اسلامی می باشد و مردم این جامعه نیز دارای بالاترین ارزش های اعتقادی هستند، بنابراین بالاترین سرمایه برای کشور فراهم است تا با تکیه بر ایمان حقیقی و به کار گیری صحیح دستورات اسلام در تمامی مسائل به خصوص در حوزه اقتصاد و گسترش فرهنگ پرداخت زکات و خمس و رواج قناعت پیشگی و زهد و انفاق و گسترش امکان سرمایه گذاری در جهت منفعت عمومی و نیز فراهم کردن زمینه اشتغال افراد و حمایت از حقوق تولید کنندگان جامعه و تلاش در جهت برقراری عدالت اجتماعی علاوه بر حفظ ارزش ها، بالاترین سطح مطلوب زندگی برای تمامی اقشار جامعه فراهم شود.

همایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

منابع

- ۱- ابراهیمی، تقی، ۱۳۸۶، توسعه اقتصاد در اسلام، اندیشه حوزه سال چهارم، شماره اول، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ص ۱۵۲-۱۴۱
- ۲- احمدوند، فریدین، ۱۳۹۲، نقش اخلاق اسلامی در توسعه اسلامی-ایرانی، فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی، سال دوم، شماره سوم، ص ۱۳۶-۱۰۳
- ۳- احمدی، محمدرضا، ۱۳۸۷، تبیین شاخص های سیاسی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام (با تاکید بر قران کریم)، مجله حکومت اسلامی، سال سیزدهم، شماره سوم، ۱۴۰-۱۰۰
- ۴- اسماعیل زاده، محمد، ۱۳۸۹، بررسی مبانی و مفهوم توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره) به منظور تبیین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مجله معرفت، سال نوزدهم، شماره ۱۵۷، ص ۶۶-۴۷
- ۵- اسماعیلی، علی، ۱۳۸۴، کارکردهای استراتژی جنبش نرم افزاری در توسعه کشور و تداوم انقلاب اسلامی، مجله دانشکده علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره ۵۶، ص ۴۲-۷
- ۶- آقا محمدی، سیده نرگس، ۱۳۹۱، تامین عدالت اقتصادی و اجتماعی (از دیدگاه اسلام) راهکاری جهت اصلاح رفتارهای اقتصادی، همایش ملی فرهنگ سازی اصلاح رفتارهای اقتصادی در ایران امروز، ابرکوه، ص ۱۳-۱
- ۷- اکبری، نعمت الله، افخمی ستوده، وحید، ۱۳۸۷، بررسی سازگاری و نقش آموزه های اسلامی با شاخص های نوین توسعه اقتصادی همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۲۷-۱
- ۸- ایروانی، جواد، ۱۳۹۰، آزادی اقتصادی و دخالت دولت از دیدگاه قران و حدیث، چهارمین همایش ملی قران کریم سفینه النجاه عصر، ص ۱۳۳-۱۱۲
- ۹- بختیاری صادق، ۱۳۷۹، عدالت و توسعه در اسلام، مجله انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره چهارم، ص ۱۶۹-۱۵۴
- ۱۰- برزانی، محمد واعظ، مشرف جوادی، محمد حسن، کوهی اصفهانی، اعظم، ۱۳۹۱، تحلیل میزان سازگاری پارادایم نئوکلاسیک با آموزه های اسلام، فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، شماره ششم، ص ۱۴۸-۹۶
- ۱۱- پور طهماسبی، سیاوش، تاجور، آذر، فاتح، بهرام، ۱۳۹۰، جایگاه عدالت در قران و حدیث و تاثیرات آن بر پیشرفت اقتصادی چهارمین همایش ملی قران کریم سفینه النجاه عصر، ص ۲۴۶-۲۲۷
- ۱۲- حاجی احمدی، محمود، ۱۳۸۴، دین و توسعه اقتصادی؛ تفاهم یا تعارض، شماره ۱۱ و ۱۲، سال پنجم، ص ۹۱-۶۶

همایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

- ۱۳- حصیر چی، امیر، نیاوند، عباس، ۱۳۹۰، تحلیل الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (رویکرد برنامه ریزی راهبردی در دهه چهارم انقلاب)، فصلنامه مطالعات بسیج، سال چهاردهم، شماره ۵۰، تهران، ص ۵۲-۸۸
- ۱۴- خلیلی، نصرالله، ۱۳۹۰، معیارها توسعه انسانی از دیدگاه اسلام، معرفت اقتصادی، شماره ۲، ص ۸-۱۰۶
- ۱۵- زراءزاد، منصور، ۱۳۸۷، توسعه اسلامی با رویکرد انسانی: مفهوم و روش، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۲۱-۱
- ۱۶- سلیمی فر، مصطفی، ۱۳۸۹، مقدمه ای بر الگوی توسعه اسلامی ایرانی، کتاب نخستین نشست اندیشه های راهبردی، ص ۶۰-۳۸
- ۱۷- سیدی نیا، سید اکبر، ۱۳۸۸، مصرف و مصرف گرایی از منظر اسلام و جامعه شناسی اقتصادی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۴، ص ۱۷۸-۱۳۱
- ۱۸- سیف، اله مراد، ۱۳۸۹، مفهوم شناسی الگوی بومی توسعه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات بسیج، سال سیزدهم، شماره ۴۸، ص ۴۷-۶
- ۱۹- عرب مازار، علی اکبر، خلیلیان، محمد جلال، ۱۳۷۶، سازگاری مفاهیم فرهنگی اسلامی با توسعه اقتصادی، نشریه دانشگاه اسلامی، شماره ۲، ص ۲۵-۹
- ۲۰- قدیری معصوم، مجتبی، ۱۳۷۹، سیری در مفاهیم و ابعاد توسعه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ص ۱۵-۱
- ۲۱- قیصری، رجبعلی، ۱۳۸۱، کنکاشی پیرامون اهمیت عدالت در توسعه اقتصادی از منظر اسلام، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش های اقتصادی، سال اول، شماره ۶۵، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۲۷-۱۰۷
- ۲۲- مهذب رحیم زاده، هاشم، ۱۳۹۰، بررسی تطبیقی شاخص های توسعه علم و فناوری در مراکز رشد با مبانی دینی، دومین همایش ملی مدیریت پژوهش و فناوری، خراسان، ص ۹-۱
- ۲۳- مهینی، شهربانو، ۱۳۹۰، تبیین آثار ترویج فرهنگ ساده زیستی در اعتلای فرهنگ قناعت و ساده زیستی در اعتلای فرهنگی از دیدگاه امام علی (ع)، همایش ملی تعالی فرهنگ از دیدگاه قران و عترت، یزد، ص ۱۱-۱

Resistive economy with an emphasis on human development from the perspective of Islam

Nourollah salehi^{۱۱۲}, zahra mohammadi^{۱۱۳}

Abstract

Based on the true meaning of human development, according to Islamic teachings based on ۳ dimensions, The belief in God, belief in the resurrection and link The link between this world and the hereafter, unlike the West perspective, emphasizes. In this paper, relying to using the method of documentation and visit the Nahjolbalagheh, has shown that on the ۳ dimensions As mentioned above, human development indicators include: ۱. Knowledge ۲. life Longevity with Health and ۳. a level of good life, how to develop the true meaning of being human development as well as In this article under Islamic view, economic development arises az a subset of human development and Social justice is a prerequisite for economic development can be expressed. Also the teachings of Islam as Such piety and charity, contentment, and leave Prodigality, as a means to achieve economic development are introduced. In this paper it is shown that a Muslim man according to Islam three criteria of human development and even economic development in order to seek higher goals, which attain he to "pure life", rather than just choosing to expand their choice according to West's perspective.

Keywords: Islam, human development, economic development, social justice

School management and economic, ۰۹۱۹۱۰۴۵۲۱۴ of kerman bahonar university, ^{۱۱۲} Assistant Professor
salehinoor@gmail.com

School management and Student Master of Business Administration, kerman bahonar university, ^{۱۱۳}
economic, ۰۹۱۳۵۴۱۰۹۴۰
Zahramohammadi۴۲۴@gmail.com